

تحلیل گفتمان انتقادی وقف نامه های بجا مانده از روزگار قاجار در استان مرکزی از حیث دستوری و زبانی

دکتر محسن مؤمن

استادیار دانشگاه پیام نور، محلات، ایران

الهام رضائیان ورمزیار

عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور شازند، شازند، ایران

rezaiyan_mkh@yahoo.com

محمد مولایی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

mohammad.molaei1353@yahoo.com

فاطمه ایبک آبادی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

f.eybakabadi@yahoo.com

چکیده

در مقاله حاضر وقفنامه های دوره قاجاریه در ایران از نظر زبانی و دستوری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است، زیرا پژوهندگان بر این باورند که اسناد وقف از جمله ی متون ارزشمند تاریخی به شمار می آیند و بررسی و تحلیل آنها از جنبه های مختلف زبانی از اهمیت فراوانی برخوردار است. شیوه انشاء و تنظیم وقفنامه ها از گذشته های دور تاکنون اسلوب و شیوه ی خاصی داشته است. نوع نگارش هر وقفنامه و تعبیّرات متفاوت و اصطلاحات به کار رفته در آن نه تنها حکایت از نوع تفکر و اندیشه های مذهبی، اجتماعی و فرهنگی آن عصر دارد بلکه در حوزه ی سند شناسی نیز در خور توجه بوده و مورد استفاده ی پژوهشگران حوزه زبان شناسی می باشد. نثر و اصطلاحات خاص ادبی، فقهی و حقوقی به کار رفته در نگارش آن موجب شده تا ادبیات خاصی در متن وقفنامه ها قابل تشخیص باشد. اصطلاحات خاص دایره جغرافیایی وقف، عبارات و کلمات عربی، آیات قرآن کریم و مضامین ادبی به کار رفته در انشاء وقفنامه ها با اندکی دقت حاکی از موضوع مربوط به موقوفه و محتوای کلی آن است که از حیث زبان شناسی بسیار حایز اهمیت می باشد و از جمله دلایل ضرورت انجام این تحقیق بشمار می رود.

واژگان کلیدی: وقف نامه، ویژگی های زبانی و دستوری، روزگار قاجاریه.

مقدمه

اسناد وقف یکی از بهترین منابع ادبی و زبانی و فرهنگی محسوب می‌شوند؛ زیرا حاوی نکات، واژگان و ادبیاتی هستند که سهمی بسیاری در غنی‌سازی زبان فارسی دارند. ارزش ادبی این اسناد، به قدری است که می‌توان از آنها به عنوان منبعی برای درک و پیگیری تطورات زبان فارسی استفاده کرد. شناخت دغدغه‌های جوامع پیشین و برنامه‌های فرهنگی آنان، از دیگر فواید وقف‌نامه‌ها است که متأسفانه تاکنون توجه درخوری به آنها نشده است. وقف‌نامه‌ها سرشار از اطلاعات ریز و درشت تاریخی، لغوی، مردم‌شناسی، زبانی و... است و برای محققان حوزه ی زبان شناسی، منبعی غنی و معتبر محسوب می‌شود. نسخ خطی ایران از جمله برجسته‌ترین آثار هنری و علمی و ادبی جهان به شمار می‌رود و امروزه در تمامی موزه‌ها، کتابخانه‌ها و مجموعه‌های خصوصی ایران و سایر کشورها از اعتبار و ارزش خاصی برخوردار است و خود نیز بر اعتبار آنان می‌افزاید.

اهداف و وظایف تحقیق

نسخ خطی ایران همچون سایر نسخ خطی به جامانده از روزگاران قدیم از جمله ی برجسته‌ترین آثار هنری و علمی و ادبی جهان به شمار می‌رود و امروزه در تمامی موزه‌ها، کتابخانه‌ها و مجموعه‌های خصوصی ایران و سایر کشورها از اعتبار و ارزش خاصی برخوردار است ولی با وجود اهمیت فراوانی که از جنبه‌های گوناگون به ویژه جنبه‌های زبانی دارند تاکنون تحقیق و پژوهش گسترده و جامعی بر روی آنها صورت نگرفته است. بنابراین هدف از انجام این پژوهش را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: ۱- شناخت دقیق ویژگی‌های صوری و سبکی دست نوشته‌های وقفی ۲- تحلیل اصطلاحات به کاررفته در وقفنامه‌ها و آشنایی با فرهنگ واژگانی اسناد وقفی دوره ی قاجاریه ۳- شناخت واژه‌هایی که در روزگار قاجاریه برای تعیین کمیت، وزن، طول و حجم استفاده می‌شده و تبدیل آنها به مقیاسهای امروزی (اصطلاحاً "به آن مفاهیم اوزان و مقادیر گفته می‌شود). ۴- سبک شناسی اسناد انتخاب شده و پی بردن به شباهتها و تفاوت‌های این نسخه‌های خطی ۵- شناخت روابط معنایی میان واژگان به کار رفته در وقف‌نامه‌ها. مفاهیمی از قبیل هم‌معنایی، چندمعنایی و تناقض معنایی، شمول معنایی و تضاد معنایی، ترکیبات

عطفی و باهم آبی های واژگانی . ۶- آشنایی با شاخص های شخصی و اجتماعی و القاب و عناوین مورد استفاده برای واقفان و وابستگان و خویشان آنها ، متولیان ، ناظرین موقوفات و سایر اشخاصی که بنا بر دلایلی نام آنها در وقفنامه ها ذکر می شود. ۷- شناسایی عواملی که موجب به وجود آمدن موسیقی کلام و آهنگ و وزن در وقفنامه ها شده است . ۸- شناختن عناصر به کاررفته در وقف نامه ها همچون مشاغل افراد، وسایل و لوازمی که مورد استفاده ی مردم آن روزگار بوده ، عناصر طبیعی ، خوراکی ها و ... ۹- آشنایی با لغات ، جملات و ترکیبات عربی که در وقف نامه ها به کار رفته است . ۱۱- آگاهی یافتن از شیوه های نگارش وقف نامه ها در روزگار قاجاریه

محدوده ی جغرافیایی تحقیق

محدوده و چارچوب جغرافیایی انتخاب شده برای پژوهش مورد نظر استان مرکزی می باشد . استان مرکزی با وجود دارا بودن وقف نامه های ارزشمند و اصیل، اسناد آن کمتر مورد استفاده ی پژوهشی قرار گرفته و از این نظر تازگی دارد.

دوره ی زمانی تحقیق

دوره ی زمانی این پژوهش همزمان با حکومت ۱۳۱ ساله ی قاجاریه در ایران (از سال ۱۷۹۴ تا سال ۱۹۲۵ میلادی) بوده است . همچنین محقق سعی نموده از نظر محدوده ی زمانی تحقیق اسنادی را برای بررسی و تحلیل انتخاب نماید که زمان تحریر و نگارش آنها از ابتدا تا انتهای حکومت قاجاریه را دربرگیرد و از این نظر نیز کامل و جامع باشد.

اهمیت نظری و عملی تحقیق

با گسترش تحقیقات تاریخی، مورخان بر آن شده اند تا هر چه بیش تر ناشناخته های گذشته را از مندرجات اسناد و مدارک دست اول آشکار سازند و تحلیل های تازه ای از آنها ارائه دهند . فناوری های نو، بر تولید، جمع آوری و اطلاع رسانی اسناد بسیار تأثیر داشته است، تا آنجا که آرشیوهای مجازی را نیز پدید آورده است. در سالهای اخیر، بازخوانی، ویرایش و تصحیح متن

اسناد وقف آغاز شده است ولیکن با وجود اهمیت فراوان این اسناد، پژوهشهای عمیقی خصوصاً" از منظر زبان شناسی بر روی اسناد وقف صورت نگرفته است. در ایران دست کم بیست و یک هزار وقف نامه وجود دارد که هر کدام به تنهایی یا در کنار اسناد هم عصر یا هم منطقه‌ی خود، می‌تواند منبعی منحصر به فرد و دارای ارزش های پژوهشی بسیار باشد. (خسروی، ۱۳۸۹: ۳۵)

بنابراین بررسی و تحلیل اسناد وقف از حیث زبان شناسی امروزه از اهمیت ویژه ای برخوردار است. از این دیدگاه علاوه بر پرداختن به جنبه‌های تاریخی، ادبی، اقتصادی، جغرافیایی، باستان شناسی، نسب شناسی و ... در هر سند، توجه به واژگان و محتوای سند نیز خود موضوعی مهم برای پژوهش است و اهداف نظری و عملی زیادی را به دنبال خواهد داشت. در حقیقت بررسی و تحلیل اسناد وقف از نظر زبان شناسی، ضمن آنکه اطلاعات زیادی را در زمینه ی درستی و یا نادرستی سند، ویژگی های سبکی، دستوری و نحوه ی نگارش وقفنامه به ما می دهد بلکه برای شناخت بسیاری از نکات، آداب و روشهایی که در طول زمان و در به وجود آمدن یک سند دخیل بوده اند نیز دارای اهمیت و فایده می باشد. (همان: ۳۶)

۱. ویژگی های دستوری، نحوی و زبانی وقفنامه ها

نثر دوره ی قاجار به ویژه آثار دینی آن دوره که وقفنامه ها را می توان به لحاظ محتوا و مضمونی که دارند جزو این آثار به حساب آورد نشان می دهد که نزدیک به ۹۰ درصد واژگان آثار مکتوب دینی که از آن زمان به دست ما رسیده، فارسی نیست و آن ۱۰ درصد دیگر نیز چیزی نیست جز حرف های ربط «از، که، را، تا، برای، چون، در»، ضمیرها «من، تو، او، ما، شما، ایشان» یا فعل های اصلی «است، بود، شد، گشت، گردید» یا قیدها و عددها. البته ذکر این نکته را نباید از ذهن دور داشت که در زبان فارسی واژگان فراوانی وجود دارد که اصل آنها فارسی بوده ولی به مرور زمان معرب گردیده اند و مطابق دستور زبان عربی صرف می شوند.

۱-۱. ویژگی های دستوری وقف نامه ها

از مهم ترین ویژگی های دستوری اسناد وقف در دوره ی قاجاریه می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- اتصال حرف اضافه ی «به» به ابتدای اسامی و ضمیرها مانند بخود (به خود)- بزوال (به زوال)
- حذف فعل به قرینه ی لفظی : مسلم و واضح است (مسلم است و واضح است)
- حذف اسم به قرینه لفظی : ارباب صدق و صفا (واژه ی محذوف : ارباب) .
- جمع بستن دوباره ی جمع مکسر با نشانه ی جمع «ات»: مزارعات ، مصارفات و مخارجات .
- عربی کردن واژگان غیر عربی به وسیله ی افزودن «الف و لام» به اول آن : الخاقان (خاقان واژه ی ترکی است که با افزودن «الف و لام» به ابتدای آن عربی گردیده است.

- شیوه ی جمع بستن واژگان در وقفنامه ها :

جمع واژگان فارسی و عربی در وقف نامه ها به گونه های مختلف دیده می شود که نمونه هایی از هر کدام ذکر می گردد .

- **جمع مکسر:** این نوع جمع از قاعده خاصی پیروی نمی کند و دارای وزنه های سماعی فراوانی است. مانند : ابواب جمع باب - اعمال - اوقاف - احوال - اعیان - املاک - آلات - توابع - اراضی - اولاد

- **جمع بستن واژه های عربی با «ات» :** خیرات - حسنات - صدقات - سادات - ادوات - تعمیرات

- **جمع بستن واژه های فارسی با «ات» که نشانه ی جمع عربی است :** مانند «دهات» که جمع واژه ی «ده یا دیه» و «بلوکات» که جمع واژه ی «بلوک» و فارسیاست

- **جمع بستن بعضی از واژگان فارسی با «ین» که نشانه ی جمع عربی است :**

مانند «دکاکین» که جمع «دکان» و واژه ی فارسی است و می بایست به جای آن نوشت «دکان ها» .

- **جمع بستن واژگان با «ین» :** ساکنین - واقفین - مؤمنین - مقدسین - مشرفین - عابریین - زائرین

- **جمع بستن واژگان با نشانه ی جمع «ها» :** استفاده از نشانه ی جمع «ها» برای جمع بستن واژگان در وقفنامه ها از بسامد بسیار پایینی برخوردار بوده است مانند : امام زاده ها - کاروانسراها - شبها

۲-۱. تنابع اضافات

آوردن چند واژه پشت سر هم و اتصال آنها به وسیله ی کسره ی اضافه را ، تنابع اضافات گویند . در تنابع اضافات واژگان با آهنگی خاص به یکدیگر اضافه می شوند . اگر چه تنابع اضافات یا بی هم آبی کسره هارا قدما از عیبهای کلام شمرده اند ، ولیکن بعضی مولفان کتابهای بدیع گفته اند که اگر تنابع اضافات مخل فصاحت نباشد ، آوردن آن در جمله مجاز است بطوریکه در وقفنامه ها ی روزگار قاجاریه ، بعد موسیقایی کلام را رنگینتر و آن را آهنگینتر ساخته است . (صفوی ، ۱۳۵۸ : ۵۹) مانند : ضمائر صافیه ارباب صدق و صفا - سالکان مسالک شریعت - شمع مرآت ازلی - تحصیل درجات عالیات اخرویه

۳-۱. مطابقت صفت و موصوف در مذکر و مؤنث بودن

در گذشته بسیاری از ادیبان فارسی زبان که زبان عربی را هم خوب می دانستند، بدون تأمل در حد و حدود منطقی در گرفتن کلمه‌هایی از زبان عربی، فکر می‌کردند که در جایی که کلمه‌ای عربی به کار می‌برند، باید پیرو قاعده‌های عربی حاکم بر آن کلمه باشند. از این رو بسیاری از نویسندگان کلاسیک این قاعده ی مطابقت صفت و موصوف را، که یک قاعده دستوری زبان عربی است، در زبان فارسی رعایت می‌کردند، گویی آنکه آنها می‌خواستند زبان فارسی را، که مذکر و مؤنث و تثنیه و جمع مکسر ندارد و در آن صفت به طور کلی با موصوف مطابقت نمی‌کند، مستعمره ی زبان عربی کنند. همچنین در زبان عربی در بسیاری موردها صفت را برای جمع مکسر نیز به صورت مفرد مؤنث می‌آوردند . مانند : اعمال صالحه ، مصارف مرقومه ، اعمال صالحه ، افعال حسنه ، شرایط معتبره و مانند این‌ها

۴-۱. تصغیر واژگان

تصغیر یعنی کوچک سازی ، مصغر واژه ای است با استفاده از ترکیبی دستوری که بر خردی و کوچکی اسم دلالت می کند . اسم مصغر در فارسی با دو پسوند «ک» و «چه» ساخته می شود ولیکن در اسناد بررسی شده عموماً" از پسوند «چه» استفاده شده است . مانند : وقف نامچه

۵-۱. عناصر به کار رفته در وقفنامه ها

عناصرمادی به کار رفته دروقف نامه ها از محیط طبیعی، شیوه های تولید و سبک زندگی انسان ها تبعیت می کند. درعین حال میتوان تأکید کرد که عناصر غیرمادی به کار رفته در وقف نامه هاینشان دهنده ی نوع اعتقادات، باورها و به طور کلی نگرشهای جامعه ای است که موقوفه هادرآن شکل گرفته اند. شناخت عناصر به کار رفته دروقف نامه ها از جنبه های زیر دارای اهمیت است:

– آشنایی با ابزار، لوازم، وسایل و اشیائی که در هر دوره مورد استفاده مردم بوده است

مانند: درب – نقره – کفش – حصیر – چراغ – درب – پنجره – حصیر – قلیان – کتاب – چراغ – شمع – تنباکو

– آشنایی با عناصر طبیعی به کار رفته در متن وقف نامه ها

مانند: رودخانه – سبزه زار – باغ – مراتع

– انواع خوراکیها و محصولات کشاورزی

مانند: گندم – جو – روغن – چای – قهوه – بادام – غذا

– مشاغل که در وقف نامه ها به آن اشاره شده است

مانند: طبیب – رخت شور – طباخ (کسی که خوراک و غذا درست می کند) – خادم – سرایدار – رعیت (کشاورز) – متولی (عهده دار وظیفه ی سرپرستی امور موقوفه) – صباغی (رنگ سازی و رنگرزی) – خباز (به تشدید «ب» به معنی نانو)

۶-۱. اوزان و مقادیر به کار رفته در وقف نامه ها

اوزان و مقادیر به اصطلاحاتی گفته می شود که برای واحدهای اندازه گیری کمیت های گوناگون استفاده می شده است. در مباحث اوزان و مقادیر تاریخی، ۳ کمیت وزن، حجم و طول به عنوان کمیت های اساسی بررسی می شود. بعضی از اوزان به کار رفته در وقفنامه ها عبارتند از:

نخود: از مقیاس های وزن است؛ ۲۴ نخود یک مثقال است

مثقال: وزنی است معادل ۲۴ نخود؛ مثقال یک شانزدهم «سیر» است و «سیر» نیز از مقیاس های وزن در ایران است معادل ۷۵ گرم.

دانگ: به یک ششم ملک گفته می شود .

رأس: برای شمارش بعضی از چهارپایان استفاده می شود مانند ده رأس گاو

تومان: در دوره ی قاجاریه ، واحد پول ایران و معادل «ده قران» و «ده هزار دینار» بوده است .

ثلث: یک قسمت از سه قسمت چیزی را گویند ، یک سوم چیزی

جریب: مساحتی از زمین معادل ده هزار متر مربع

عشر: (به ضمه ی «ع») یک پاره از ده پاره ی هر چیزی، یک قسمت از ده قسمت

طسوج: به یک چهارم دانگ گفته می شود

شعیر: یک نود و ششم، ششدانگ است.

خروار: از مقیاس های وزن رایج در ایران است برابر صد من تبریز یا ۳۰۰ کیلوگرم

پا: مقیاس طول است برابر ۳۰/۴۸ سانتی متر (عمید ، ۱۳۸۵ : ۳۰۲)

۷-۱ . ماده تاریخ (حساب جمل) در وقفنامه ها

یکی از شاهکارهای هنری موجود در وقفنامه ها «ماده تاریخ» است ماده تاریخ کلمه یا کلماتی معنی دار است که به حساب جمل مساوی با یک تاریخ مشخص و مورد نظر می شود . (دهخدا ، ۱۳۷۷ : ۱۲۲۱) . ماده تاریخ ذکر تاریخی است به شعر و یا گاهی نثر در قطعه ای کوتاه برای وقایع گوناگون . معمولاً شعری که از این راه پدید می آید قطعه ای کوتاه است که شاعر در یکی دو بیت آخر آن تاریخ مورد نیاز را ذکر می کند و بیت های پیشین از آن را برای مقدمه می آورد و معمولاً این مقدمه برای معرفی و بیان وجه اهمیت کسی یا واقعه ای گفته می شود که تاریخ آن ذکر گردیده است . اصطلاحاً " تاریخ گوئی به این نحو را ماده تاریخ سازی می گویند . در گذشته حتی برخی از اسامی ، اشارات و محاسبات نجومی را به حساب جمل بکار می بردند . حروف ابجد و عددهایی که در مقابل آن قرار می گیرند بدین شرح است :

(الف = ۱) ، (ب = ۲) ، (ج = ۳) ، (د = ۴) ، (ه = ۵) ، (و = ۶) ، (ز = ۷) ، (ح = ۸) ،

(ط = ۹) ، (ی = ۱۰) ، (ک = ۲۰) ، (ل = ۳۰) ، (م = ۴۰) ، (ن = ۵۰) ، (س = ۶۰) ،

(ع = ۷۰) ، (ف = ۸۰) ، (ص = ۹۰) ، (ق = ۱۰۰) ، (ر = ۲۰۰) ، (ش = ۳۰۰) ،

(ت = ۴۰۰)، (ث = ۵۰۰)، (خ = ۶۰۰)، (ذ = ۷۰۰)، (ض = ۸۰۰)، (ظ = ۹۰۰)،
(غ = ۱۰۰۰).

با توجه به شماره های مخصوص هر یک از حروف ابجد، اگر شماره هر حرف را در عبارتی که برای واقعه ای تاریخی رقم زده شده با یکدیگر جمع کنیم عددی بدست می آید که نشان دهنده ی تاریخ سال آن واقعه است (رسولی پور، ۱۳۸۰: ۱۷). طبق قاعده ی ماده ی تاریخ، سال تنظیم وقفنامه در قطعه شعری که در وقفنامه ذکر می شود با استفاده از حروف ابجد به دست می آید. برای نمونه می توان به وقفنامه ی «خواجه حسام الدین» پنجمین حاکم از سلسله افشاریه اشاره کرد. خواجه حسام الدین قناتی موسوم به «خیرات» را از ضلع شرقی شهر کازرون تا مرکز شهر آورده و درآمد آن را وقف ساختن یک مدرسه علمیه در این شهر می کند. طبق قاعده ی ماده ی تاریخ، سال تنظیم این وقفنامه یعنی ۱۱۱۹ هجری قمری در عبارت «مقام فیض ازلی» در مصراع دوم بیت زیر مستتر و پنهان است:

«عارف» در فکر سال تاریخش دل گفت بگو: مقام فیض ازلی

۲. چارچوب و اجزای تشکیل دهنده ی اسناد وقف

اکثر وقفنامه های موجود دارای چارچوب یکسان و شبیه به یکدیگر می باشد که می توان آنها را به چند قسمت تقسیم کرد: قسمت تحمیدیه، مورد وقف و مصارف آن، وظایف متولی و ناظر و گواهان.

قالب کلی وقفنامه ها عموماً "در دوره های مختلف یکسان بوده است و سندی را می توان وقفنامه نامید که دارای شرایط ذیل باشد: نام و مشخصات مالک یا مالکانی که بخشی از اموال و املاک خود را برای امور خیر از مالکیت خود مجزا کرده اند دقیقاً ذکر شده باشد، بیان دقیق مشخصات اموال وقف شده و مقدار سهام و محل وقوع رقبات تعیین مصارف موقوفه، اشاره به ابدی بودن موقوفه (معمولاً واقف در وقفنامه ذکر می کند که مورد وقف بصورت دائمی وقف شده است. برای این منظور در سند وقفنامه قید میگردد که «وقف مؤبد و حبس مخلد نمود...») که در اینجا بر دوام وقف و ابدی بودن آن تاکید شده است، تعیین متولی برای اداره ی امور

موقوفه و سرپرستی و حفاظت از اموال و املاک وقف شده ، قید کردن روز، ماه و سال تحریر سند که معمولاً به هجری قمری نوشته می شود و تاریخ های هجری شمسی عمدتاً "مربوط به اسناد رسمی است . سجلات یا تأیید وقفنامه توسط گواهان و شاهدان نیز که معمولاً" در اکثر وقفنامه ها دیده می شود، آخرین بخش سند وقف یا وقفنامه را تشکیل می دهد . (مولایی ، ۱۳۸۳ : ۴۹)

۳. ساخت واژگانی وقف نامه ها از نظر معنایی

معناشناسی (Semantics)

دانش بررسی و مطالعه معانی در زبان های انسانی است. بطور کلی، بررسی ارتباط میان واژه و معنا را معناشناسی می گویند. معنا شناسی از لغت یونانی (semantika) گرفته شده و جمع آن (semantias) به معنی علم مطالعه معنا می باشد. این علم معمولاً" بر روی رابطه بین دلالت کننده ها مانند لغات، عبارتها، علائم و نشانه ها و اینکه معانی شان برای چه استفاده می شود تمرکز دارد.

یاکوبسن از زبان شناسان مشهور اروپایی شش جزء تشکیل دهنده ی ارتباط یعنی گوینده ، مخاطب ، مجرای ارتباطی ، رمز ، پیام و موضوع را که حاصل معنی است ، تعیین کننده ی نقشهای شش گانه ی زبان می داند . این نقش های شش گانه عبارتند از : ۱- نقش عاطفی ، ۲- نقش ترغیبی ۳- نقش ارجاعی ۴- نقش فرازبانی ۵- نقش همدلی ۶- نقش ادبی

نقش ادبی

در این نقش از زبان، جهت گیری پیام به سوی خود پیام است . در این شرایط پیام مورد توجه قرار می گیرد . به اعتقاد یاکوبسن پژوهش درباره ی این نقش زبان بدون در نظر گرفتن مسائل کلی زبان به ثمر نخواهد رسید (شفیعی کدکنی ، ۱۳۶۸ : ۳۴) . اعتقاد به نقش ادبی زبان ریشه در دیدگاههای اشکولوفسکی روس و صورت گرایان چک به ویژه موکارفسکی و هاوارانک دارد . صورت گرایان دو فرایند زبانی را از یکدیگر باز می شناختند و بر این دو فرایند نام های خودکاری و برجسته سازی نهاده بودند . (شفیعی کدکنی ، ۱۳۵۸ : ۳۵)

برجسته سازی ادبی

شفیعی کدکنی هنگام بحث درباره ی برجسته سازی به این نکته اشاره می کند که برجسته سازی را می توان به دو گروه موسیقایی و زبانی تقسیم کرد، وی گروه موسیقایی را مجموعه ی عواملی می داند که زبان ادبی را از زبان هنجار به کمک آهنگ و توازن ممتاز می سازد و در این مورد عواملی چون وزن و هماهنگی های آوایی را موجب به وجود آمدن آهنگ و توازن می داند (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸: ۵۵-۵۷) در ادامه به صورت اختصار به بیان گونه های مختلف برجسته سازی و ذکر نمونه هایی از آن در وقف نامه های مورد پژوهش خواهیم پرداخت.

برجسته سازی ادبی از طریق هنجارگریزی معنایی

حوزه ی معنی بیش از دیگر سطوح زبان در برجسته سازی مورد استفاده قرار می گیرد. به این ترتیب صناعی از قبیل استعاره، مجاز، تشبیه و ... که به صورت سنتی در چارچوب بدیع معنوی و بیان مطرح می شده بیشتر در چارچوب هنجارگریزی معنایی قابل بررسی هستند. (همان: ۵۱) در ادامه به مهمترین عوامل معنایی مؤثر در به وجود آمدن برجسته سازی ادبی در وقف نامه ها شامل: تشبیه مجاز، هم معنایی، تضاد معنایی، ترکیبات عطفی، شمول معنایی در سطح واژه و باهم آیی واژگانی اشاره می شود.

تشبیه

تشبیه یعنی مانند کردن چیزی به چیز دیگر که به جهت داشتن صفت یا صفاتی با هم مشترک باشند. در مقدمه ی وقف نامه ها که به آن تحمیدیه گفته می شود موارد بسیاری از اضافه های تشبیهی به چشم خورد که در برجسته شدن کلام تأثیر بسزایی داشته است. اینک نمونه هایی از آنها را ذکر می نماییم.

ریاحینممکنات (عالم ممکنات به گل و ریحان تشبیه شده است) - صحرای عدم (عدم و نیستی به صحرا و بیابان تشبیه شده است) - چمن وجود (عالم وجود به زمینی سرسبز و اصطلاحاً "چمن زار تشبیه شده است) - نهال ممکنات (جهان هستی به درختی تشبیه شده است)

هم معنایی

هم معنایی که در دستور سنتی قدیم از آن به نام ترادف معنایی یاد شده از جمله ی مباحث معنی شناسی به شمار می رود که در بررسی و تحلیل ساخت واژگانی یک متن از نظر معنایی مورد توجه قرار می گیرد. هم معنایی هنگامی جلوه می کند که در متن، دو صورت زبانی متفاوت با معنایی یکسان به کار رفته باشد. در هم معنایی، واحد های واژگانی که دارای معنای یکسان هستند می توانند جانشین یکدیگر شوند. (صفوی، ۱۳۸۴: ۱۲۵) کاربرد واژگان هم معنا در وقف نامه ها اغلب موجب زیبایی کلام شده است. نمونه هایی از وجود این مفهوم زبانی را در وقف نامه های مورد پژوهش ذکر می نماییم: حمد و سپاس - غیب و شهود - احسان و لطف - مثمر و بارور - زیب و زینت - کسوت وجود و خلعت هستی - برابر و یکسان - بوستان نبوت و گلشن رسالت - غرض از تحریر و باعث بر ترقیم و تسطیر - وقف مؤبد صحیح شرعی و حبس مخلد صریح ملی - خیرات و میرات

تقابل معنایی

یکی دیگر از مواردی که در بررسی ساخت واژگانی یک متن از نظر معنایی می بایست مورد توجه و بررسی و تحلیل قرار گیرد، تقابل معنایی است که تحریرکنندگان وقفنامه ها به آن توجه داشته اند. در سنت مطالعه ی معنی از واژه ی **تقابل** با عنوان تضاد معنایی یاد می شود. (همان: ۳۵ - ۳۸). مثال تقابل معنایی در وقفنامه ها: غیب و شهود - هستی و نیستی - کلیات و جزئیات

ترکیبات عطفی

آوردن ترکیبات عطفی از نیازهایگریزی و طبیعی زبان است که خواستگاه آن کشش انسان به موازی ها و تناسب های موسیقایی است. (شفیع کدکنی، ۱۳۵۸: ۲۸۴-۲۸۵). در همه ی ترکیبات عطفی جدا از یکسانی مقوله ی دستوری، ارتباط معنایی میان « الف و ب » مشهود است که یا «الف و ب» با هم تقابل معنایی دارند، یا هم معنایی دارند و یا باهم آبی معنایی در آنها دیده می شود. بنابراین در ترکیبات عطفی هم تناسب موسیقایی و هم ارتباط معنایی میان دو ترکیب

عطف داده شده موجب ایجاد برجستگی در کلام می شود. (همان : ۲۵۰) مانند : لطف و احسان، صرف و خرج، حمد و سپاس، محصول و منافع

شمول معنایی در سطح واژه

از دیگر مباحث معناشناسی «شمول معنایی در سطح واژه» است و آن بدین معناست که مفهوم یک واژه، مفهوم یک یا چند واژه را دربربگیرد. برای مثال واژه ی « خیر و بر » (به کسره ی «خ» و «ب») در عبارت «در آمد موقوفه را همه ساله به هر مصرف خیر و بری که مطلوب دانند برسانند و» واژه ی شامل نامیده می شود و هر امر خیری را از قبیل : کمک به فقرا و مستمندان، تعمیر مساجد، افطار و اطعام روزه داران، کمک به راه ماندگان و ... ؛ زیر شمول آن به حساب می آید. همچنین واژه ی «اقارب» واژه ی شامل است و «اقارب امی» و «اقارب ابی» یعنی خویشاوندان مادری و پدری زیر شمول آن محسوب می گردند. (حاجی عباسی ، ۱۳۸۷ : ۱۲ - ۱۳)

باهم آیی واژگانی

کروث از زبان شناسان اروپایی با هم آیی را بکاربردن واژگانی می داند که طبق عادت با هم به کار می روند

(Cruse. 1986:40). واژگان باهم آیند به لحاظ ارتباط معنایی که میان دو واژه دیده می شود نیز در کنار سایر عوامل ذکر شده، می تواند نقش عمده ای در برجسته سازی ادبی دروقف نامه ها ایفا کند. در یک نگاه کلی به واژگان با هم آیند می توانیم آنها را در یکی از دسته های زیر قرار دهیم :

– با هم آیی های رایج و متداول فعلی

مانند ترکیبات : وقف کردن، به مصرف رساندن، صرف کردن

– باهم آیی های رایج غیر فعلی

مانند ترکیبات: مثمر ثمرات – باقیات الصالحات – مصارف معینه –

مجاز

زبان شناسان شناختی مجاز را همچون استعاره از ابزارهای شکل دهنده ی ساختار شناختی انسان به شمار می آورند. در مطالعات سنتی، مجاز نیز مانند استعاره نوعی آرایه ادبی و خاص زبان به شمار می آید، اما لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) مجاز را نیز دارای ماهیتی مفهومی دانستند و نشان دادند که باید کاربرد مجاز را نیز همچون استعاره، فرایندی ذهنی و شناختی بدانیم. در حقیقت رابطه ی مجازی بر اساس نوعی قرابت یا مجاورت است. (راسخ مهند، ۱۳۸۶: ۶۱ - ۶۳)

در عبارت «حسنش در شریعت ظاهره و نزد عقل نیز مسلم و واضح است» منظور از عقل، انسان عاقل است که به مجاز، مطروف (عقل) ذکر گردیده و ظرف (که شخص عاقل باشد) ذکر نگردیده است.

برجسته سازی ادبی از طریق هنجارگریزی سبکی

این نوع برجسته سازی هنگامی رخ می دهد که شاعر از لایه ی اصلی متن گریز بزند و از واژگان یا ساخت های نحوی گفتاری و جملات عامیانه استفاده کند. (صفوی، ۱۳۸۴: ۵۳) برای نمونه واژه ی «کلا» به کسره ی «ک» در اصطلاح محلی و عامیانه به زمینی گفته می شود که هیچ گونه کشت و کاری در آن صورت نمی گیرد، این واژه در میان عامه ی مردم کاربرد داشته و در نوشته های رسمی و ادبی به کار نمی رود.

برجسته سازی ادبی از طریق آوردن واژگانی با بار عاطفی مثبت و منفی

یکی از مباحث مطروحه در سطح بررسی واژگانی از نظر معناشناسی کاربردی، بار عاطفی واژگان است. (صفوی ۱۳۷۳: ۱۸) بدین معنا که مخاطب در مواجهه با یک واحد واژگانی، ناخود آگاه در خود واکنش مثبت و یا منفی احساس می کنند. واژگانی همچون: «رشد، بلوغ، اهلیت، قابلیت و صلاح» دارای بار عاطفی مثبت بوده و واکنش مثبت مخاطب را به دنبال دارد و در مقابل واژگانی همچون: «خیانت کننده ی امانت، قطع کننده ی رحم، مجنون، سفاهت، انقراض

اولاد، عدم اولاد و رحلت واقف « دارای بار عاطفی منفی بوده و واکنش منفی مخاطب را به دنبال دارند که انقراض اولاد بار منفی بیشتری دارد.

برجسته سازی ادبی از طریق قاعده افزایی

شاید بتوان گفت که مسأله ی قاعده افزایی و نتیجه ی حاصل از این فرایند، یعنی توازن نخستین بار از سوی یاکوبسن مطرح شده است. یاکوبسن از زبان شناسان اروپایی بر این اعتقاد است که فرایند قاعده افزایی چیزی نیست جز توازن در وسیع ترین مفهوم خود و این توازن از طریق تکرار کلامی حاصل می آید. قاعده افزایی برخلاف هنجارگریزی، انحراف از قواعد زبان هنجار نیست بلکه اعمال قواعدی اضافی بر زبان هنجار به شمار می رود و بدین ترتیب ماهیتاً از هنجارگریزی متمایز است. قاعده افزایی همان طور که گفته شد بر برونه ی زبان عمل می کند و در معنی دخالتی ندارد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸: ۱۵۶)

تحریر کنندگان نوشته های شرعی در هنگام نوشتن وقف نامه، واژگانی را به کار برده اند که نوعی توازن را به وجود آورده و منجر به نظم آفرینی و تناسب موسیقایی در کلام می شود که در اصطلاح سنتی، ترصیع نامیده می شود. صنایعی که از طریق توازن به وجود می آیند از ماهیتی یکسان برخوردار نیستند به همین دلیل گونه های توازن را باید در سطوح متفاوتی بررسی کرد. برای توصیف انواع توازن به سه سطح تحلیل آوایی، واژگانی و نحوی نیاز است. برای مثال توازنی که موجب وزن می شود در سطح آوایی قابل بررسی است ولی لف و نشر در سطح نحوی امکان توصیف می یابد. همچنین مقولاتی نظیر سجع متوازی، سجع مطرف، سجع متوازن و جناس هایی مانند جناس مضارع، جناس ناقص، جناس مطرف، جناس وسط، جناس وسط، جناس مذیل، جناس اشتقاق یا قلب، همگی گونه هایی از توازن واژگانی به شمار می روند که از طریق همگونی ناقص (تشابه آوایی بخشی از یک یا چند واژه) به وجود آمده اند و قابل توصیف هستند. جدا از این صناعات شگردهای دیگری همچون ترصیع، موازنه یا تضمین المزدوج نیز در همین مقوله می گنجد که در اصل بکارگیری واژه هایی با همگونی ناقص در ارتباط با یکدیگر بر روی زنجیره ی گفتارند. (همان: ۲۰۷)

چنانکه در نمونه زیر، از یک وقف نامه مربوط به دوره ی قاجاریه، آوردن چندین جفت واژه به صورت قرینه با یکدیگر همگونی ناقص را به وجود آورده است: «بستان حمد و سپاس و گلشن ثناء بی قیاس، مخصوص بارگاه احدی و مختص درگاه صمدی است...». در این جمله جفت واژه هایی نظیر: «بستان و سپاس»، «حمد و ثناء»، «سپاس و قیاس»، «مخصوص و مختص»، «بارگاه و درگاه» و «احدی و صمدی» در همگونی ناقص با یکدیگرند. کاربرد این جفت واژه ها که تحت عنوان سجع متوازی قابل طبقه بندی اند، به گونه ی قرینه ی یکدیگر بوده و در جمله اصطلاحاً "صنعت ترصیع خوانده می شوند. همچنین لازم به توضیح است که در وقف نامه های بررسی شده، نمونه هایی از همگونی کامل نیز که در بدیع سستی تحت عنوان جناس تام، نام گذاری می شود، مشاهده گردید که همگی ذیل عنوان «توازن واژگانی» دسته بندی شده است. (همان: ۲۱۳)

نمونه هایی از توازن واژگانی

ساکنان فرادیس قدس و عاکفان جنات انس - بوستان نبوت و گلشن رسالت - غرض از تحریر و باعث بر ترقیم و تسطیر - وقف مؤبد و حبس مخلد - بال طیران بسته و پیر پرواز خسته - قنوت دایره و بایره - وجوه مبرات و خیرات - اراضی و صحاری - تلال و جبال - عیون و انهار

شاخص شخصی و شاخص اجتماعی در وقف نامه ها

شاخص شخصی و شاخص اجتماعی که در ادب سنتی از آن تحت عنوان «القاب و توضیحات» یاد می کنند نیز از دیگر موضوعات مهم در «معنی شناسی» می باشد. (صفوی، ۱۳۷۳: ۶۱ - ۶۲) که مورد استفاده محرران (نویسندگان) وقفنامه های دوره قاجاریه بوده است. الفاظ و شاخص های مندرج در وقف نامه ها عموماً "بر حسب رابطه اجتماعی گوینده و مخاطب به ویژه رابطه ی واقف با متولی و ناظر و از سویی دیگر نیز پایگاه اجتماعی اشخاص تعیین و انتخاب می گردند. از این رو محرران شریعت برای معرفی واقفان از شاخص های اجتماعی متفاوتی استفاده می کرده

اند. برخی از شاخص های اجتماعی به کاررفته در وقف نامه ها را به صورت نمونه ذکر می نمایم:

- سرکار نواب کامکار والا امیرزاده نصره الدوله العلیه عبدالحسین میرزا

- نواب علییه عالییه حاجیه شاهزاده خانم

- جناب جلالت مآب أجل أكرم أفخم امیر الامراء العظام آقای حاج ذوالفقار خان صمصام الملك

امیر تومان « زید اجلاله العالی »

- علیا حضرت، مریم فطرت، نواب علییه عالییه حاجیه طوطی خانم دامت عزتها

- حضرت مستطاب اشرف امجد اسعد والا آقای ناصر الدوله العلیه سلطان حمید میرزا دام اجلاله

العالی

اما تحریر کنندگان وقفنامه ها برای برای طبقات پایین و متوسط از شاخص های اجتماعی کمتری استفاده می کرده اند. برای مثال: «خیرالزائرین کربلائی حسین بن مرحوم محمد ابراهیم انجدانی» و یا «عالیقدران حاجی محمد و حاجی احمد اولادان مرحوم آعبدالعلی سنجانی» و در مواردی که سند وقف توسط خود واقف نوشته شده باشد از شاخص شخصی کمتری استفاده می شود مانند: «أقل عباد الله کاظم». این شاخص ها برای گذشتگان هم استفاده می شده است. برای نمونه: « سرکار شریعتمدار أعلم العلماء العظام و أفته الفقهاء الفخام رئیس الملة و الدین حجة الأسلام و المسلمین طوبی مقام ، خلد آشیان ، الواصل إلى رحمه الملك المنان جناب آقای حاجی سید محمد باقر مجتهد رشتی ». در عهد قاجار، لقب در ایران اهمیت بسیاری داشت. به کمک لقب بود که فرد می توانست خود را از توده ی مردم متمایز کند. لقب جای فرد و حد امتیازات و قدرت او در اجتماع را مشخص می کرد. هر چه نام و لقب اشراف زادگان پر سر و صدا و با شکوه و جلال بود، به همان اندازه نام رعایا ساده و بی اهمیت تلقی می شد. تنها وجه تمایز رعیت از دیگران زادگاهش بود. در زمان سلطنت قاجاریه، لقب های مردانه دامنه ی وسیع داشت. در این زمان از یک کلمه ده ها لقب وضع می کردند. مثلاً "از کلمه ی «امین» می توانستند لقب هایی مانند امین الدوله، امین السلطنه، امین دفتر، امین لشکر، امین الواعظین و مانند آن وضع کنند و به اشخاص اهدا کنند و یا بفروشند. (نوش آذر، ۱۳۸۷: ۳)

عناوین استفاده شده قبل و یا بعد از اسم اشخاص

از دیگر موارد قابل بررسی و تحقیق در حوزه ی القاب و نام اشخاص ، عناوینی است که قبل و یا بعد از نامها ذکر گردیده است که به طور مختصر به آن اشاره می کنیم .

❖ آقا : این عنوان هم برای احترام است و هم برای نشان دادن جنسیت که معمولاً " قبل از نام مردها به کار می رود

❖ خانم و بانو : عنوان های مذکور نیز هم برای احترام است و هم برای نشان دادن جنسیت که معمولاً " قبل از نام زن ها به کار می رود

❖ کربلایی ، مشهدی ، حاجی و حاجیه : عناوین مذکور نشان دهنده ی سفر زیارتی است که شخص مورد نظر به یک مکان زیارتی داشته است .

❖ «بی بی» ، « سید» و «میر» : نشانه ی سیادت شخص از سوی پدر یا مادرش می باشد .

❖ « ولد » ، « خلف » ، « ابن » ، « بنت » و « صبیبه » : بر نسبت فرزندی دلالت دارند که سه واژه ی نخست برای فرزند پسر و دو واژه ی بعدی برای فرزند دختر به کار می روند .

❖ « حلیه » و « زوجه » و « متعلقه » : نسبت زوجیت را می رسانند به معنی : همسر

بیگ : به معنی : امیر ، بزرگ ، عنوانی است که در گذشته به امیران و سران قبیله ها داده می شد بنابراین ، « بیگ » نشانه ی جایگاه و منصب اجتماعی فرد است .

❖ خان : عنوانی بود که به رئیس قبیله می دادند و نشانه دهنده ی موقعیت اجتماعی شخص است

❖ شیخ : نیز به معنی بزرگ ، پیر و رئیس قبیله نشانه ی جایگاه اجتماعی فرد است

❖ میرزا : کاتب و نویسنده و منشی؛ از القاب شاهزادگان هم بوده ولی بعدها برای سردارزادگان هم استفاده شد. وقتی در اوّل نام آید، اطلاق به نویسندگان، خاصّه اهل حساب می شده؛ دفتردار؛ حسابدار.

❖ شاهزاده : ذکر این عنوان برای نشان دادن طبقه ی اجتماعی شخص بوده است . در روزگار قاجاریه این عنوان تنها در مورد فرزندان شاه به کار می رفته است .

❖ نواب (جمع نایب) : معاونین؛ از القاب شاهزادگان (مرد و زن)؛ نواب اشرف، در مورد شاه؛ نواب اشرف والا، در مورد شاهزادگان استفاده می شده است

به طور کلی اسامی واقفین در وقفنامه ها سه گونه ذکر شده است :

-اسامی شناسنامه ای که دارای نام و نام خانوادگی بوده و عمدتاً "مربوط به وقفنامه های رسمی است .

-اسامی ساده یعنی متشکل از نام شخص و گاهی همراه با نام پدر او مانند : معصومه ، اسدالله فرزند قنبرعلی

-اسامی که همراه با یکی از این نسبت های چهارگانه باشد :

۱- نسبت جغرافیایی همچون : عراقی ، سنجانی ۲- نسبت خاندانی یا طایفه ای مانند : بیات ، قاجار ۳- نسبت شغلی ، منصبی یا علمی همچون قهوه چی ، وزیر و مجتهد ۴- لقب یا شهرت مانند : ناصرالدوله ، امیرتومان و ملک التجار

از نظر عنوان واقف نیز تفاوتی را در وقفنامه ها شاهد هستیم چنانکه القابی که برای ذکر نام زنان واقف استفاده می شد، گاه بیانگر طبقه اجتماعی ایشان بوده، به طور مثال زمانی که از زنان واقف متعلق به جامعه اشراف و درباری ذکری به میان می آمد با عناوین علیاجاه، خداترت دستگاه و زمانی که واقفه متعلق به گروه متوسط جامعه بود با نام و لقب ضعیفه مورد خطاب قرار می گرفتند و اگر هم زائری بود که گذرا به آستان می آمد و نذری را در قالب وقف ادا می نمود از وی با لقب مشهدی نام برده می شد.

اسناد وقف در استان مرکزی

در استان مرکزی تاکنون تعداد ۴۲۰۰ موقوفه شناسایی شده که برای ثبت این موقوفات ۴۲۰۰ وقف نامه ها به رشته ی تحریر درآمده است که متعلق به دوره های مختلف تاریخی می باشند . وقف نامه های تحریر شده عموماً "مربوط به وقف مساجد ، تکایا ، روستاها ، مغازه ها ، سراها و کاروانسراهای وقفی در بازار ، خانه های مسکونی ، آسیاب ها ، باغات و باغچه ها ، مزارع ، قنات ها و چشمه های آب زیر زمینی ، بیمارستان ها و مراکز درمانی ، مراکز خیریه ، زمین های کشاورزی و مدارس علوم دینی و مدارس علمی دیگر می باشد . در ادامه ی این گفتار بدلیل

رعایت اختصار تعداد یک سند وقفی متعلق به روزگار قاجاریه مورد بررسی و تحلیل زبان شناسی قرار خواهد گرفت.

سند وقف حاج حسن ملک

* نام واقف : حاج حسن ملک التجار

* خلاصه : واقف از طبقه‌ی تجار زمانه‌ی خود بوده است که مقداری از دارایی خود شامل چندین روستا را وقف می‌کند تا درآمد آن صرف تعمیرات و کمک به دانشجویان و سایر هزینه‌های مدرسه‌ی علمیه‌ی در شهر اراک مرکز استان مرکزی ایران شود .

* زبان : فارسی با کاربرد بارز زبان عربی

* محل نگهداری سند : آرشیو سازمان اوقاف و امور خیریه

* اشخاص نام برده شده در وقفنامه : ابراهیم - کمال - قربانعلی - غلامعلی - محمد باقر -

* مکان ها : سلطان آباد - قزلیجه - طردان - رباط میر براتی -

* تاریخ وقف : سال ۱۳۲۰ هجری قمری مطابق با ۱۸۹۹ میلادی

* متن وقفنامه : بعد الحمد والصلوٰه ، بر ضمایر صافیه ارباب صدق و صفا و خواطر عاطر اهل علم و یقین و هدی و سالکان مسالک شریعت ، مخفی و پوشیده نماند که هر که را شمع مرآت ازلی رهبری نماید و نور یقین ابدی در آئینه‌ی ضمیر حق بین جلوه‌گر آید ، مشاهده می‌نماید که مراتب امور دنیویه را بسراسر بقایی و لذات مجاز جسمانیه را وفایی نیست . شاهد این مقال کلمه‌ی طیبه‌ی « کل شیئ هالک الا وجهه » است . و هر که را همت خود را در تحصیل درجات عالیات اخرویه گمارد و نفایس و زخارف مایملک خود را در وجوه خیرات و صدقات صرف نماید و قطع علقه از زخارف دنیویه نماید و آنها را ذخیره‌ی « یوم لا ینفع مال و لا بنون » خود ساخته باشد و به مضمون « الدنیا مزرعة الآخرة » تمام را باعث نجات و رافع درجات خود دانسته و بداند ، کما قال الله تبارک و تعالی « و ما تقدموا لأنفسکم من خیر تجدوه » من جمله از صدقات جاریات ، وقف است که آن تعبیر به صدقه‌ی جاریه شده است . چنانچه حدیث نبوی صل الله علیه و آله و سلم ناطق به آنست : « إذا مات ابن آدم انقطع عمله الا عن ثلاثة : صدقة جاریه و علم

یتنفع به و ولد صالح یتستغفر له». لهذا توفیق رفیق و سعادت قرین شامل حال خیریت مآل، جناب شرافت نصاب نبالت انتساب، عمدۀ الأعیان و الأبرار و زیدۀ الأشراف و الأخیار، افتخار الحاج و التجار، دامت توفیقاته و تأییداته شد و وقف مخلد صحیح شرعی و حبس مؤبد دائمی نمود هر یک از اعیان و املاک و دهات و مزارع و مستغلات و و دکاکین و مرقومه در ذیل را که هر سالی محصول و وجه اجاره و منافع آنها نقداً و جنساً با اطلاع اشخاص و آقایان لاحق الذکر دریافت شود و به مصارف مزبوره مسطوره برسانند با مراعات الأقدم فالأقدم. تفصیل اعیان موقوفه از این قرار است: قریه‌ی طردان، شش دانگ؛ قریه‌ی قزلیجه، شش دانگ؛ از مزرعه‌ی جاروب سرخه، چهار دانگ و نیم؛ کاروانسرای متصل به یخچال ورثه‌ی مرحوم حاجی قربانعلی به انضمام باربند و دکاکین متعلق به آن، شش دانگ؛ از کاروانسرای مشترکی با مشهدی غلامعلی اصفهانی کاروانسرادار به انضمام باربند دو دانگ و سه باب دکان واقعه در سر همین کاروانسرا، کل شش دانگ آنها ملک جناب واقف است و در شراکت مشهدی غلامعلی نیست و مشارالیه حقی ندارد.

*تفصیل مصارف موقوفه: اولاً خود اعیان مرقومه‌ی موقوفه در هر سالی، هرچه مخارج و لوازم محتاجند از قبیل تنقیه قنوات و اندود پشت بام‌های کاروانسراها و تعمیرات دیگر از کلی و جزئی، ملزومات خودشان مقدم باید باشد بر مصارف دیگر. ثانیاً مخارج تعمیر مدرسه‌ی جدیدالبنای خود جناب واقف که واقع است در جنب مسجد مرحوم مبرور جنت و رضوان آرامگاه حجت الاسلام آقای حاجی سید محمدباقر (طاب ثراه و جعل الجنة مثواه) و به سمت میدان و ارگ دیوانی و تعمیر آب‌انبار متصل به مدرسه‌ی مسطوره و بیت‌التخلیه و مستراح واقع در مدرسه مرقوم از مخارج جزئی و کلیه از قبیل اندود پشت بام‌ها و حصیر و بوریا و چراغ حجرات و همچنین چراغ جهت آب‌انبار و بیت‌الخلا. ثالثاً به طلاب ساکنین مدرسه از قرار تفصیل ذیل به شرط بیتوته‌ی شب و روز و اشتغال حقیقی با اختبار در هر دو ماه یک مرتبه که هر یک قابل ترقی نباشند از مدرسه خارج شوند. و از جمله خارج و بیرون شدنی‌های از مدرسه طلبه‌ای است که مرتکب معاصی شود تا دو مرتبه او را توبه بدهند، هرگاه بعد از دو مرتبه توبه ایضا عاصی شد در

دفعه‌ی سیم خارجش نمایند. اما آنچه باید به طبقات حضرات آقایان مدرسین و طلاب ساکنین مدرسه باید برسد علی حسب مراتبهم از این قرار است:

مدرس قابل خارج و سطح یک نفر از قرار ماهی پنج تومان؛ مدرس قابل سطح و مقدمات یک نفر از قرار ماهی ایضا" پنج تومان؛ طلبه‌ی خارج‌خوان قابل ماهی دو تومان؛ طلبه‌ی سطح‌خوان قابل از قرار ماهی یک تومان و پنج هزار؛ مقدماتی‌خوان قابل ماهی یک تومان. متولی تا زمان حیات، خود جناب واقف است و بعد از انقضاء عمر طبیعی، تولیت به اولاد ارشد و ارجمند ایشان آقا میرزا ابراهیم است همچنین نسلا" بعد نسل و حق التولیه در هر سالی مقدار هفتاد من روغنی است که در قریه طردان معمول الرعایا است که باید بدهند ایضا" در هر سالی و نظارت موقوفات با جناب مستطاب سرکار بندگان شریعتمدار آقای حاجی آقا کمال است و حق‌النظاره در هر سالی هفتاد تومان است و بعد از سرآمدن عمر مقدری حتمی او با أعلم و أفقه و أروع علمای بلد که نافذالحکم بوده باشد، می باشد. خادم مدرسه یک نفر سالی ۱۸ تومان و در هر سالی پنجاه تومان کتاب از برای طلاب ساکن مدرسه اتباع شود از فقه و اصول و مقدمات تا مدت ده سال پانصد تومان که رسید در کتابخانه‌ی خود مدرسه ضبط باشد، ولی بعد از انقضای ده سال و خریداری پانصد تومان، بعدها هر چه کتاب خریداری شود از جمله‌ی موقوفه نیست بلکه به طلاب فقیر قابل مدرسه باید تملیک شود. و ایضا در هر ماه مبارک رمضان پنجاه تومان به عموم فقرا باید داده شود و ایضا در ماه صیامی سی قرآن به طلاب مدرسه داده شود. به قصد جناب واقف از قرار ختمی سه هزار دینار و به قصد والدین جناب واقف نیز.

اما در اوقات وفات واقف مستمرا یک نفر قاری درست‌خوان متدین روزی یک جزء قرآن در سر قبر قرائت نماید سالی پانزده تومان به او داده شود و شبی دو چراغ در سر قبر تا صبح بسوزد، و در شب‌های جمعه یک نفر روضه‌خوان قابل صحیح‌خوان در سر قبر روضه بخواند سالی دوازده تومان به او داده شود و چای و قلیان و قهوه هم به حاضرین بدهند. بعد از اینها هر چه باقی بماند در ماه مبارک رمضان و ماه محرم الحرام و شهر صفر المظفر روضه‌خوانی نمایند با اطعام، و هرگاه ایضا" زیاد آمد سالیانه شب‌های جمعه را تعزیه‌داری بشود با اطعام در اوقات حیات جناب واقف چون متولی خودش می باشد. مصارف سر قبر کما رقم منوط به نظر خود ایشان است و

عوارضات دیوانی املاک و اعیان مرقومه از مالیات و غیرها معمول است که خود رعایا باید بدهند در هر سالی . این چند کلمه بر سبیل وقفنامه چه قلمی و تحریر پذیرفت . اللهم أرزقه أجرا "عظیما" و کان ذالک بتاريخ ۱۲ شهر ذیحجه الحرام سنه ۱۳۲۰ .

۱. ویژگی های نوشتاری ، رسم الخطی و سبکی وقفنامه

※ اتصال حرف اضافه ی « ب » به ابتدای اسامی : بمصرف به جای به مصرف - بشرح به جای به شرح - بمضمون - باطلاع - بمصارف

※ حذف اسم به قرینه لفظی : ارباب صدق و صفا (واژه ی محذوف : ارباب) - اهل علم و یقین (واژه ی محذوف : اهل) - جنت و رضوان آرامگاه (واژه ی محذوف : آرامگاه)

※ جمع بستن واژگان فارسی با نشانه ی جمع عربی « ین » : مانند « دکاکین » که جمع دکان و به معنی محل کسب و کار می باشد .

※ استفاده از حروف اضافه ی عربی در متن وقفنامه : من (به جای از)

۲. تابع اضافات

شمع مرآت ازلی - مراتب امور دنیویه - وقف مخلد صحیح شرعی - حبس مؤبد دائمی - مخارج تعمیر مدرسه ی جدید البنای خود جناب واقف - طلاب ساکن مدرسه - طلاب فقیر قابل - به قصد والدین واقف - اوقات وفات واقف - قاری درست خوان متدین - اوقات حیات جناب واقف

۳. اوزان و مقادیر

دانگ = به یک ششم ملک گفته می شود .
تومان = در دوره ی قاجاریه ، واحد پول ایران و معادل « ده قران » و « ده هزار دینار » بوده است .
من = به فتحه ی « م » از مقیاس های وزن است به مقدار ۴۰ سیر و تقریبا " معادل ۳ کیلو گرم

دینار = از کلمه ی لاتینی « دناریوس » (denarius) گرفته شده است . به معنی سکه ی طلا که در گذشته رواج داشته و به وزن ۴ گرم بوده است . در فارسی یک صدم ریال ایران را گویند ؛ در گذشته به یک هزارم « قران » یا « ریال » گفته می شد.

۴. تکرار

- تکرار واژه : آقا محمد آقا - آقای حاجی آقا کمال
- تکرار همخوان یا یک صامت در دو یا چند واژه : شامل حال خیریت مأل (تکرار صامت ل) -
جناب شرافت نصاب نبالت انتصاب (تکرار همخوان پایانی «اب» - مدرسه ی مسطوره (تکرار صامت « س ») - قبر و قرائت (تکرار صامت آغازین ق) - قهوه و قلیان (تکرار صامت آغازین ق) - معاصی و عصیان و معصیت (تکرار صامت ها «ص» و « ی »)

۵. تصغیر واژگان

وقف نامچه

۶. نحوه ی جمع بستن واژگان

- جمع بستن واژگان به شیوه ی مکسر: طلاب جمع طلبه - خیرات جمع خیر - مراتب جمع مرتبه
- امور جمع امر - فقرا جمع فقیر - اشخاص جمع شخص - مصارف جمع مصرف - اوقات جمع وقت

- جمع بستن واژگان با « ات » : رقبات - خیرات - درجات - دهات - مستقلات - تعمیرات - ملزومات

- جمع بستن واژگان با « ین » : ساکنین - مدرسین - والدین

- جمع بستن واژگان با « ان » : سالکان - آقایان

- جمع بستن واژگان با نشانه ی جمه « ها » : بام ها - شب ها

۷. ترکیبات عطفی

اجاره و محصول - قهوه و قلیان - صدق و صفا - خیرات و مبرات - علم و یقین

۸. توازن واژگانی

« شمع مرآت ازلی و نور یقین ابدی » ، « باعث نجات و رافع درجات » ، « عمده الأعیان و الأبرار و زبده الأشراف و و الأخیار » ، « وقف مخلد و حبس مؤبد »

۹. عناصر به کاررفته در وقفنامه

- مواد خوراکی : روغن - چای - قهوه

- وسایل و اشیاء : کتاب - قرآن - وقف نامه - قلیان

۱۰. مطابقت صفت و موصوف در مذکر و مؤنث بودن و جمع و مفرد بودن

صدقات جاریات - درجات عالیات

۱۱. استفاده از واژه های عربی

- کاربرد واژگان عربی مفرد : علم - یقین - لهذا - محصول - تنقیه - ثابا - بیتوته - اشتغال -
اختبار - ترقی - ایضا - قابل - أعلم - أروع - ابتیاع - مستمرا - اطعام - معمول - تملیک -
عموم

- کاربرد ترکیبات عربی: ضمائر صافیه - لاحق الذکر - الأقدم فالأقدم - جدید البنا - طاب ثراه -
دخول الجنة مثواه - بیت الخلا - بیت التخلیه - حق النظاره - نافذالحکم - ضبط

- استفاده از جملات و عبارات عربی : بعدالحمد و الصلوة - ما یملک - یوم لا ینفع مال و لا بنون -
الدنیا مزرعه الآخره - كما قال الله تبارک و تعالی - الغریق بحار رحمت الله تعالی - شهر صفر
المظفر - كما رقم - اللهم أرزقه أجرا " عظیما " - و كان ذلك

- آوردن آیه هایی از قرآن کریم : و ما تقدموا لأنفسکم من خیر تجدوه - کل شیء هالک إلا وجهه

۱۲. باهم آبی های واژگانی شامل باهم آبی های رایج و متداول و باهم آبی های تثبیت شده

توفیق رفیق - مرحوم مبرور - شهر صفر المظفر - ماه محرم الحرام - رمضان المبارک

۱۳. اشتقاق یا هم ریشگی واژگان

سالکان مسالک - معاصی ، عصیان و معصیت

۱۴. هم معنایی ضمنی

خیرات و مبرات - صدق و صفا - علم و یقین - مخفی و پوشیده - نفایس و زخارف - وقف
مخلد صحیح شرعی و حبس مؤبد دائمی - جنت و رضوان - بیت التخلیه و مستراح - حصیر و
بوریا - خارج - وجوه خیرات و صدقات

۱۵. واژگان دارای بار عاطفی منفی

ارتکاب معاصی - اتمام عمر - سر آمدن عمر - طلاب فقیر

۱۶. شاخص شخصی و شاخص اجتماعی (القاب و توضیحات)

جناب شرافت نصاب نبالت انتساب عمدۀ الأعیان و الأبرار و زبده الأشراف و الأخیار افتخار الحاج
و التجار، الحاج حسن تبریزی الأصل و سلطان آبادی المسکن ، الملقب به حاج ملک التجار
مر حوم مبرور جنت و رضوان آرامگاه خلد آشیان حجة الاسلام آقای حاج سید محمد باقر طاب
ثراه و دخول جنه مشواه - جناب مستطاب سرکار بندگان شریعتمدار آقای حاجی آقا کمال

۱۷. تقابل واژگان (تضاد معنایی)

نقدا" و جنسا" - جزئی و کلی - شب و روز - صبح و شب

۱۸. شمول معنایی در سطح واژه

خیرات : شامل تمام کارهای خیر می شود- مبرات : شامل همه ی کارهای نیک می شود - کتاب واژه ی شامل است و شامل انواع کتاب های درسی دینی می شود

۱۹. عناوین ذکر شده قبل از اسامی اشخاص

حاج سید محمد باقر : ذکر کردن عنوان «حاجی» و «سید» قبل از نام «محمد باقر» به ترتیب نشانه ی سفر زیارتی شخص به خانه ی خدا و سیادت پدر فرد مورد نظر دارد - مشهدی غلامعلی : عنوان مشهدی نشان از سفر زیارتی شخص به مشهد مقدس می باشد - حاج قربانعلی : عنوان «حاجی» نشانه ی سفر زیارتی می باشد - آقا محمد آقا : ذکر عنوان «آقا» نشانه ی جنسیت و همچنین احترام به شخص است - آقا میرزا ابراهیم : عنوان میرزا برای ادای احترام است - آقای حاجی آقا کمال : عنوان «آقا» برای احترام و «حاجی» نشانه سفر زیارتی آن شخص است.

۲۰. ظرف زمان

سال - شب - روز - ماه رمضان - شهر صفر المظفر

۲۱. ظرف مکان

کتابخانه - مستراح - بیت الخلا - قبر - قنوات (به مجرای گفته می شود که برای خارج کردن آب در زمین حفر می کنند) - آب انبار

نتیجه گیری

به دلیل تنوع موضوعات نتایج به دست آمده به صورت مجزا از یکدیگر ذکر می گردد :

۱- نوع نگارش هر وقفنامه و تعبیرات متفاوت و اصطلاحات به کار رفته در آن نه تنها حکایت از نوع تفکر و اندیشه های مذهبی ، اجتماعی و فرهنگی آن عصر دارد بلکه در حوزه ی سند شناسی نیز در خور توجه بوده و مورد استفاده ی پژوهشگران حوزه زبان شناسی می باشد. وقفنامه ها یکی از بهترین منابع ادبی و زبانی و فرهنگی محسوب می شوند؛ زیرا حاوی نکات، واژگان و ادبیاتی هستند که سهمی بسیاری در غنی سازی زبان فارسی دارند . ارزش ادبی این اسناد، به قدری است که می توان از آنها به عنوان منبعی برای درک و پیگیری تطورات زبان فارسی استفاده کرد.

۲- گذر از نثر مرسل به نثر فنی ، بیشتر شدن صنایع لفظی لغت پردازی ، ورود واژگانی از زبان عربی به نثر فارسی ، تطویل و اطناب جملات و عبارات ، از جمله ی ویژگی هایی بود که از قرن پنجم هجری وارد آثار منثور و منظوم ادبیات فارسی گردید و تا چندین قرن نیز ادامه داشت . با وجود اینکه از قرن سیزدهم (مقارن با دوران حکومت قاجاریه در ایران) به بعد سبک نثر رو به سادگی رفت ولیکن چنان که خواهیم دید تمامی ویژگی های یاد شده در اسناد وقف به جا مانده در دوره ی قاجاریه به خوبی دیده می شود .

۳- بررسی ها حاکی از آن است که اسناد وقف در جایگاه یکی از مهم ترین منابع تحقیقات تاریخی، از اهمیت خاصی برخوردارند؛ زیرا یکی از ابزارهای ارتباطی مطمئن حال با گذشته به شمار می آیند .

۴- در وقف نامه ها تغییر آرایش واژگان به عنوان ابزاری برای دستیابی به نظم به کار رفته است و توازن که نتیجه ی حاصله از قاعده افزایی است عامل و اسباب ایجاد نظم در کلام است . گاهی نیز هم نشینی واژه ها در جمله نمایانگر نظم در جمله است

۵- بررسی اسناد وقف از نظر ساختار معنایی واژگان ، بیانگر این واقعیت است که در تمامی اسناد وقف بدون استثناء مفاهیم و روابط مختلف معنایی همچون : تقابل ، هم معنایی یا مترادف ، باهم آیی های واژگانی ، ترکیبات عاطفی ، شمول معنایی در سطح واژه ، و واژگانی که با بار عاطفی مثبت یا منفی ، بسامد کاربرد داشته است . و از سوی دیگر ارتباط معنایی میان اجزاء و عناصر

زبانی اسناد وقف موجب زیبایی و استحکام هر چه بیشتر کلام شده است. همچنین از آنجایی که حوزه ی معنی بیش از دیگر سطوح زبان در برجسته سازی مورد استفاده قرار می گیرد بنابراین صناعی از قبیل استعاره، مجاز، تشخیص، پارادوکس، تشبیه و... که به صورت سنتی در چارچوب بدیع معنوی و بیان مطرح می شده در این رساله مورد توجه پژوهشگر بوده و در قالب هنجارگریزی معنایی به آن پرداخته شده است.

۶- از گفتاری که پیرامون شاخص شخصی و اجتماعی و القاب و توضیحات مورد استفاده در روزگار قاجاریه ارائه شد نیز می توان نتیجه گرفت که: شاخص هایی که محرران وقف نامه ها برای واقفین و یا سایر اشخاص ذکر شده در وقف نامه ها استفاده می کردند از یک سو به شغل و منصب شاخص وابسته بود و از طرف دیگر به موقعیت اجتماعی محرر وقف نامه نسبت به شاخص واقف و یا شاخص دیگری که لقب برای او استفاده می شده است. در حقیقت می توان گفت که در عهد قاجار، لقب در ایران اهمیت بسیاری داشته است و به کمک لقب بوده که فرد می توانسته خود را از توده ی مردم متمایز کند. البته لازم به ذکر است که امروزه تمام القاب و شاخص های مذکور از بین رفته و به جز چند شاخص خاص برای علماء و بزرگان دینی از شاخص و یا لقب دیگری استفاده نمی شود.

منابع

۱. حاجی عباسیسعید و رضایی ، امید .(۱۳۸۷).*اسناد بلوک غار و فشاپوریه* ، قم : انتشارات اسوه .
- ۲- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت نامه*، (دوره ی جدید)، تهران : مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران .
- ۳ - راسخ مهند ، محمد . (۱۳۸۶) .*اصول و مفاهیم بنیادی زبان شناسی شناختی* ، تهران : نشر بخارا .
- ۴ - شفیعی کدکنی ، محمد رضا .(۱۳۵۸) .*موسیقی شعر*، تهران : انتشارات توس .
- ۵- صفوی ، کوروش .(۱۳۸۴). *فرهنگ توصیفی معنی شناسی* ، تهران : انتشارات مؤسسه ی فرهنگ معاصر .
- ۶- صفوی ، کوروش .(۱۳۷۳) . *از زبان شناسی به ادبیات (جلد اول : نظم)* ، تهران : نشر چشمه .
- ۷- شفیعی کدکنی ، محمد رضا .(۱۳۶۸) .*موسیقی شعر* ، تهران : نشر آگاه .
- ۸- عمید ، حسن . (۱۳۸۵).*فرهنگ فارسی عمید* ، تهران : امیرکبیر .
- ۹- خسروی ، محمد علی . (۱۳۸۹) . *اسناد وقف و دانش سند شناسی* ، فصلنامه ی میراث جاویدان ، شماره ی ۷۲ ، تهران : انتشارات اسوه .
- ۱۰- رسولی پور ، مرتضی .(۱۳۸۰) . *نظری مجمل به حساب جمل*، مجله ی نامه فرهنگستان شماره ی ۱۷ ، تهران : انتشارات مجله نامه فرهنگستان .
- ۱۱- نوش آذر ، حسین . (۱۳۸۷) . *فرهنگ نام و لقب در ایران* ، رادیو زمانه ، تهران .
- ۱۲- مولایی ، محمد .(۱۳۸۳) . *جایگاه وقف در ادب فارسی* ، پایان نامه ی کارشناسی ارشد ، دانشگاه آزاد اسلامی اراک.

13- Cruse “ D . A . (1986) . *Lexical Semantics* .cambridge University press.

